

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله اول: آغاز کار
فصل سوم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله اول

فصل سوم

آغاز کار

آنچه در فصل قبل نوشتیم مربوط به آماده سازی بود، یعنی آماده ساختن مشاور در شراکت با متقاضی، و در فضائی مناسب مشاوره مسیحی. این فصل مربوط به آماده سازی دیگری است، یعنی آماده سازی از طریق استفاده از مدارکی که قبلاً ارائه شده می باشند. منظورم دو مدرک مهمی است که منشی دفتر مشاوره مسیحی در دست متقاضی می گذارد تا آن را خوانده و قبل از شروع جلسات با پر کردن و امضاء آن موافقت خود را اعلام دارد. این دو، ”اطلاعات شخصی ایماندار“ و ”موافقت نامه مشاوره مسیحی“ می باشند. البته هیچ یک را نمی توان گفت مطلقاً لازم میباشند، اما اطمینان می دهد که هر یک از طرفین می دانند چه کاری در پیش است و از سوء تفاهمات جلوگیری خواهد کرد(۱).

اطلاعات شخصی ایماندار

این مدرک برای جمع آوری اطلاعات اولیه بکار برده می شود. بسیاری از کشیشان فکر می کنند صرف کردن وقت در چنین کاری بیهوده است چون این اطلاعات را خود دارند. اگر شما نیز چنین فکر می کنید، از شما می خواهم این فرم را برای یکی از اعضاء کلیسای خود پر کنید و خود ببینید چند مورد از آن را نمی دانید. بعنوان مثال، کدام کشیشی را می شناسید که اطلاع از دارو هائی که اعضاء روزانه مصرف می کنند دارد؟ در صورتی که این یک مورد ممکن است دلیلی برای رفتاری که دارند را باشد. چه تعدادی از آن ها می دانند شخص مورد نظر اشکالش کمبود خواب بوده؟ نتیجتاً، پیشنهادم این است که از متقاضیان بخواهید قبل از هر کاری این مدرک را پر کنند. علاوه بر این، اکثراً نیاز به وقت کافی دارند تا اطلاعات خواسته شده را بدست آورند. اطلاعات بدست آمده از این مدرک دو گانه است:

۱. اطلاعاتی که مشاور از متقاضی بدست می آورد.
۲. اطلاعاتی که متقاضی اختیارات در دست مشاور می گذارد.

هر دو نوع اطلاعات، که در مواقع مختلف و شکل مختلف بدست می آیند، به پیشبرد بهتر مشاوره کمک خواهند کرد.

قسمت اول پرسشنامه خصوصیات شخصی و خانوادگی متقاضی را، نظیر اسم، آدرس، تلفن، سن، ترکیب خانواده، و آیا مسیحی هست یا نیست(۲)، نام کلیسا و چگونگی مشارکت او، نام دارو های مصرف شده در روز و مقدار آن شامل می گردد. علاوه بر این اطلاعات نیز ممکن است اطلاعات ویژه ای نظیر آیا مواد مخدر استعمال شده یا تحت پیگرد قانونی بوده، یا تحت معالجات روانشناسان قرار گرفته، بدست آید. همچنین سؤالاتی نیز برای مکتشف ساختن اختلالات ادراکی(۳) یا نشانه های افسردگی نیز موجود می باشند(۴).

قسمت دوم پرسشنامه سؤالاتی راجع به مسئله از متقاضی می کند. این ها عبارتند از:

۱. مشکل خود را بطور خلاصه توضیح دهید؟
۲. چه اقدامی در مورد آن کرده اید؟
۳. ما چه می توانیم بکنیم؟
۴. آیا مورد دیگری هست که باید از آن اطلاع داشته باشیم؟

این سؤالات امکان آن را می دهند تا متقاضی مسئله را بگونه ای که خود می بیند شرح دهد. سؤال چهارم کلی است و مربوط به خصوصیات ویژه ای است که ممکن است در پرسشنامه ایراد نشده است.

توجه داشته باشید سؤالی با استفاده از کلمه "چرا" وجود ندارد. سؤالاتی که عیسی مسیح با استفاده از کلمه چرا کرده بود بمنظور آشکار ساختن پیش فرض های غلط بود. اما هیچ وقت برای بدست آوردن اطلاعات از آن استفاده نکرد. کلماتی چون "چه"، "کی"، "کجا"، "چگونه"، "کدام"، اطلاعات حقیقی را که ربطی با برداشت شخصی (قضایات شخصی) ندارند را بدست می آورند. مشاوره معمولاً با اطلاعاتی که از این پرسشنامه بدست می آید آغاز می شود. منشی مشاور معمولاً پنج دقیقه قبل از شروع مشاوره آن دو مدرک را به متقاضی می دهد. سپس مشاور اطلاعات داده شده را مرور می کند و اگر موردی هست که جواب داده نشده به آن می پردازد. معمولاً علامتی در کنار اطلاعاتی که داده نشده یا احتیاج به پیگیری بیشتری دارد می گذارد تا به یاد داشته باشد در همان جلسه اول به آن ها پردازد. بعنوان مثال، جواب "بله" به سؤال "آیا توسط مقامات دستگیر شده اید؟". مشاور لازم است در این مورد اطلاعات بیشتری را بدست آورد. او سؤالاتی را مطرح خواهد کرد که بستگی به موارد خاص متقاضی می باشد. اگر متقاضی در پرسشنامه نوشته "زنم مرا به زندان انداخت"، لازم است شرح نیز بدهد که موضوع چه بوده. حال نگاه به جواب سؤال "آیا تا بحال به روانشناس یا مشاور روحانی مراجعه کرده اید؟" بکنیم. اگر جواب "بله" است و تواریخ آن متعدد، اما شرح داده شده می گوید که موفق نبوده، مشاور متوجه خواهد شد که باید به او امید داد. شکست های قبلی بقدری متقاضیان را نا امید می کند که سعی خواهند کرد امیدشان دوباره بالا نرود. انتظارشان ممکن است بسیار کم باشد. در واقع ممکن است با ناامیدی کامل روی به مشاوره مسیحی آورده باشند.

لازم است آنچه مشاوران قبلی راجع به مسئله گفته اند را بدست آورد، چه پیشنهادی کرده اند و سر انجام انجام آن چه بوده. این گونه اطلاعات مسائل بغرنج کننده ای که نتیجه مشاوره های نا موفق قبلی بوده را فاش می نمایند. بعضی از آن ها می تواند به قدر مسئله ابتدائی، و یا حتی بزرگتر از آن نیز باشند. در چنین شرایطی لازم است اشتباهات انجام شده را از میان برداشت. بیشتر مواقع نمی توان به مسئله ابتدائی رسید، مگر اول مسئل بغرنج کننده را از میان برداشت.

به متقاضی گفته شده بود که مسئله او پدرش می باشد. مشاور قبلی به او گفته بود که کمک خواهد کرد به "حساب پدرش برسد". متقاضی نیز در جواب گفته بود که پدرش چند سال است که فوت کرده! اما با این وجود، مشاور دست بردار نبود و پیشنهاد کرده بود که بر سر قبر پدرش برود و روی آن بشاشد! و پس از آنکه متقاضی به آن عمل کرد، وجدانش آزار دید و مسئله بغرنج کننده به قدر مسئله اولیه او شده بود. این برداشت نادرست چنان در او اثر کرده بود که بر روابط با دیگران نیز اثر گذاشته بود. مسئله در خود او بود. و صرفنظر از آنکه پدرش چه رفتاری را با او داشت - بعداً معلوم شد که رفتارش آنقدر ها بد نبود - او آموخته بود که در مقابل بد رفتاری عکس العمل بدی را نشان بدهد. او را با اصولی که در اول پطرس آمده آشنا ساختیم(د).

سپس مشاور به چهار سؤال آخر می پردازد. معمولاً نیز، مشاوره با این چهار سؤال آغاز می شود. بعنوان مثال، اگر جواب سؤال ”چه اقدامی در مورد آن (مسئله) کرده اید؟“، ”من دعا کردم“ می باشد، مشاور می تواند (در جلسات بعدی)، بپرسد، ”چه کاری را نیز در حمایت از دعا کردید تا مسئله حل شود؟“ معمولاً متقاضی جوابی را از خود ندارد، چون این طریقی نیست که متقاضی به دعا فکر می کند. بسیاری فکر می کنند دعا سپردن همه چیز به خدا است. اما بیشتر مواقع می توان کاری در مورد آن نیز کرد، و نباید از مسئولیتی که در مقابل آن داریم فرار کنیم. خدا راجع به حل مسائل در کلامش بقدر کافی نوشته. به همین منظور نیز کلامش را بما داد تا نه تنها آن را بخوانیم، بلکه به آن عمل نیز بکنیم. آنچه متقاضی نیاز دارد آن است که خود بداند و بفهمد کلام خدا در مورد مسئله او چه می گوید. در کلام نه تنها مسئله روشن می شود، بلکه راه حل آن هم فاش می گردد. این دو مورد سوای یکدیگر نیستند بلکه هر دو باید انجام گیرند.

سؤال ”مشکل خود را بطور خلاصه توضیح دهید“، جوابی خواهد داد که در سه تراز جای می گیرد:

- تراز ۱. ناراحتی (آنچه مسئله ایجاد کرده یا آنچه باعث شد به مشاوره مسیحی پناه آورد).
- تراز ۲. عمل یا روحیه ای که باعث مسئله شده.
- تراز ۳. درجه الگوئی که به آن عادت شده.

بعنوان مثال، جواب تراز اول می تواند این باشد: ”من شغلم را از دست دادم“. تراز دوم می تواند این باشد: ”من با رئیسم دعوا کردم و مرا اخراج کرد“، و تراز سوم نیز می تواند این باشد: ”من کنترل احساساتم را ندارم و به این دلیل از کار برکنار شدم“. بطوری که می بینید، هر سه جواب ممکن است صحیح باشند، اما مربوط به موضوع های مختلفی می گردند. معمولاً آنچه نسبب شما خواهد شد از نوع اول است - ناراحتی. نتیجتاً مشاوره شما ابتدا صرف بدست آوردن طلاعات مربوط به تراز های بعدی خواهد بود، سؤالی نظیر: ”چه اتفاق افتاد؟“ که مربوط به تراز دوم دارد، و ”آیا این تنها زمانی است که چنین اتفاقی روی داده است؟“ که مربوط به تراز سوم می باشد. البته امکان دارد که آن رویداد تنها یک بار اتفاق افتاده، و تراز سومی نیز در کار نباشد. اگر اینطور است، آن را قبول کنید و مسئله ای را از خود نسازید! همین دو تراز که در دست دارید بقدر کافی کار ایجاد کرده است. اما اگر الگوئی در کار است و آن را فاش نکرده باشید، کمکی که کرده اید ناکافی خواهد بود. او دوباره باز خواهد گشت چون مسئله او کماکان باقی مانده است. شما باید مسئله متقاضی را در تمام تراز ها حل کنید نه آنچه بر سر راه او قرار دارد را از میان بردارید. معمولاً روانشناسان مسئله متقاضی را در تراز اول حل می کنند (با تجویز دارو تا احساس بهتری را بکنند). بطوری که می بینید، این کار کافی نیست. بسیاری از مشاوران نیز به تراز سوم مسئله نمی رسند، و تنها مسئله فعلی متقاضی را حل می کنند. چگونگی حل هر سه تراز مسئله را بیاموزید.

سؤال ”ما چه می توانیم بکنیم (چه انتظاری از ما دارید؟)“، بسیار مهم می باشد. با این سؤال قصد متقاضی را جويا می شويد. اگر تنها می خواهد مشکل ظاهری حل شود، جوابی که می دهد این موضوع را فاش می کند. نتیجتاً لازم می گردد او را به نیاز مهمتری سوق دهید (خوشنود ساختن خدا، حال چه مشکل از میان برداشته شود یا خیر(۶)).

معمولاً قصدی که متقاضی دارد با قصد خدا یکی نیست (و البته شما بعنوان نماینده خدا، قصد خدا را اتخاذ می دارید). متقاضی ممکن است از شما بخواهد روحیه یا رفتاری که داشته را ”بپذیرید“ یا ”تایید“ کنید. ممکن است بخواهد ”جانب“ او را در مقابل زنش بگیرد (یا بعکس). ممکن است

می خواهد ”کمک کنید تصویر بهتری از خود“ بدست آورد. این مقاصد خلاف مقاصدی است که خدا برای او دارد. در نتیجه، قبل از آنکه مشاوره را ادامه دهید، لازم خواهد بود راجع به مقاصدش با او صحبت نمائید. در این کار نیز، منظور معامله کردن نیست، بلکه رسیدن او به جایی است که کلام خدا را تایید می کند. وقتی مقاصد او با مقاصد خدا در تضادند، ادامه به مشاوره فایده ندارد تا آنکه هر دو مکمل همدیگر شوند.

در چنین موقعیتی است که ممکن است لازم بدانید جلسات مشاوره را منتهی سازید یا به تعویق بی اندازید. اگر متقاضی حاضر نمی شود مقاصد خدا را مقاصد خود کند، نمی توانید ادامه دهید. البته می توانید راجع به موضوع گفت و گو کنید و یا آیاتی از کلام خدا که به او ربط دارد را در محور مسئله متقاضی ”باز“ کنید. همچنین، در نظر داشته باشید که شناخت اولیه خدا نیاز به زمان بیشتر از معمول دارد. اما اگر شخصی سرسختانه ادعا می کند که حاضر نیست خواست خدا را بجای آورد، به شما حکم شده که مشاوره را خاتمه اعلان کنید.

موافقت نامه مشاوره مسیحی

موافقت نامه مشاوره مسیحی را منشی دفتر قبل از آغاز جلسات به متقاضی می دهد. هدف آن حفاظت قانونی مشاور و متقاضی است. در صورت لزوم، مفاد قانونی آن را برای متقاضی توضیح دهید. معمولاً سؤالات مربوط به رازداری اطلاعات پیش خواهد آمد. باید توضیح داد که رازداری مطلق چیزی است که کلیسای کاتولیک اختراع کرده و جایی در کلام خدا ندارد. در بعضی مواقع لازم است اطلاعات بدست آمده را با دیگران، حتی کلیسا، شریک شد (متی ۱۸: ۱۵). در نتیجه، ماده ای در این رابطه گنجانده شده است.

صورت جلسه مشاوره مسیحی

مشاور مسیحی از این صورت استفاده می کند تا برنامه مشاوره خود را به جریان بی اندازد. در قسمتی از آن تکالیف هفته گذشته را ارزیابی می کند و برداشت های خود را یادداشت می کند و بر مبنی آنچه بدست آورده، دستور جلسه را بنا می سازد (۷).

فهرست زیر نویس های فصل سوم

- (۱) یا از امکان دادخواهی جلوگیری خواهد کرد.
- (۲) جواب این سؤال صلاحیت او به کسب مشاوره مسیحی را نشان می دهد.
- (۳) ۹ سؤالی که با ”آیا تا بحال احساس کرده اید دیگران شما را نگاه می کنند“ (صفحه ۳) آغاز می شوند.
- (۴) این قسمت با این سؤال آغاز می شود، ”دور کلماتی که مناسب با وضع شما است خط بکشید“.
- (۵) به کتاب های من: Trust and Obey و Christian Counselors Commentary on First Peter مراجعه کنید. (این کتاب ها تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده اند)
- (۶) یعنی آسایشی که انتظار آن را دارد. خدا همیشه آسایش را به کسانی که خواست او را بجای می آورند می دهد، اما نوع آن را او تعیین می کند، و در زمان و طریقی که خود می خواهد.
- (۷) موضوع هایی که در جلسات پیش می آیند و در زمان دیگری باید بحث شوند در قسمت دستور جلسه یادداشت می شوند. آنچه مورد بحث قرار می گیرد را باید علامت گذاری کرد.